

پایان به شبهات

چالش بهائیت در باور اصل خاتمیت

بخش چهارم

با محوریت موضوعات مطرح شده در کمال رفع شبهات

سوال سوم

حسن ارشاد

سرشناسه: ارشاد، حسن
عنوان و نام پدیدآور: چالش بهائیت در باور اصل خاتمیت! با
جوهریت موضوعات مطرح شده در کانال رفع شبهات، سوالات سوم /
حسن ارشاد.

مشخصات نشر: تهران: گنجینه معرفت عروج، ۱۳۹۷.

مشخصات ظاهری: ۱۵ جلد.

شابک دور: ۹۷۸-۶۲۲-۹۹۷۷۰-۹

شابک چاپ پنجم: ۹۷۸-۶۲۲-۹۹۷۷۰-۵۷

وبسایت: فهرست نویسی: فیبا.

موضوعات: یکبر، پرسش‌ها و پاسخ‌ها، خاتم‌الانبیاء، دفاعیه‌ها و
ردیه‌ها.

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۷ ج ۴ الف / BP ۳۳۰

رده‌بندی دیویی: ۹۷ / ۵۴

شماره کتابشناسی ملی: ۱۳۵۳۱

پاسخ به شبهات - جلد پنجم:

چالش بهائیت در باور اصل خاتمیت (۴)

مؤلف: حسن ارشاد

ناشر: گنجینه معرفت عروج

نوبت چاپ: اول / ۱۳۹۸

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

چاپ: سجادی

شابک: ۹۷۸ - ۶۲۲ - ۹۹۷۷۰ - ۵۷

آدرس: تهران، میدان انقلاب، خیابان کارگر جنوبی، پاساژ مهستان،

طبقه اول، شماره ۱۱ - تلفن ۶۶۹۴۶۷۷۵ - ۶۶۹۱۴۲۹۴ - ۶۶۴۳۴۸۰۶

۲۰۰۰۰ تومان

- ۱۱ مقدمه
- ۱۷ ۳- آیا حضرت محمد آخرین فرستاده خدا و خاتم النبیین است؟
کد سوال: ۱۰۰۳۰۰۰
- ۱۸ ۱-۶۶- بررسی استناد باور بهائی به حدیث خلقت نوری (بخش اول):
روش شناسی و نحوه استناد به حدیث (باز هم انتساب دروغ به پیامبر اکرم ﷺ! باز هم تقطیع و تحریف حدیث، باز هم ترجمه نادرست و باز هم حذف بخش هایی از حدیث!!!
مقاله شماره ۸۴
کد مقاله: ۱۰۰۳۰۶۶
- ۲۰ ۳-۱- بررسی استناد باور بهائی به حدیث خلقت نوری (بخش دوم):
اعتنا به باور بهائی و دلیل دیگری بر باطل بودن ادعای وحدت مظاهر در استناد به حدیث خلقت نوری)
مقاله شماره ۸۵
کد مقاله: ۱۰۰۳۰۶۷
- ۲۳ ۳-۲- آیا استناد به انجیل و اثبات وحدت مظاهر برای یک مسلمان می تواند الزام آور باشد؟! استناد به انجیل و اثبات بطلان باورهای بابی و بهائی!
مقاله شماره ۸۶
کد مقاله: ۱۰۰۳۰۶۸
- ۲۷ ۳-۳- آیا بهائیان می دانند که از نظر آموزه های باور بهائی هیچ وحدتی بین انبیاء الهی و مظاهر امر وجود ندارد؟! اعتراف بهائیان به ارواح مجرده و انفس الهیه در بحث وحدت مظاهر! روح یا ارواح؟! نفس یا انفس؟!
مقاله شماره ۸۷
کد مقاله: ۱۰۰۳۰۶۹
- ۳۰ ۳-۴- شمس یا شمس؟! غروب یا مردن؟! طلوع یا خلقت؟! چرا ارتباطی بین خورشید و پیامبر وجود دارد؟! آیا اگر خصوصیتی بین خورشید ثابت شد، بدان معناست که همان خصوصیت در پیامبر نیز ثابت شده است؟!
مقاله شماره ۸۸
کد مقاله: ۱۰۰۳۰۷۰
- ۳۳ ۳-۵- اندر شیوه های پرتکرار باور بهائی: باز هم تقطیع و باز هم تحریف

کلام الهی! بررسی استناد و استدلال باور بهائی به آیه ۵۰ سوره مبارکه القمر! آیا امر به معنای پیامبران است؟! ۱

مقاله شماره ۸۹

کد مقاله: ۱۰۰۳۰۷۱

۳-۶- بررسی استدلال و استناد باور بهائی به حدیث کُلُّنا محمد! باز هم نسبت دروغ دیگری به ساحت مقدس پیامبر اکرم (علیه السلام)!! استناد به حدیثی که باطل بودن وحدت مظاهر را اثبات می نماید!!

مقاله شماره ۹۰

کد مقاله: ۱۰۰۳۰۷۲

۳-۷- بررسی استناد باور بهائی در استناد به حدیث اما النبیون فانا! باز هم تقطیع گزینش، باز هم ترجمه ای نادرست، باز هم استفاده از شیوهای ناپسند

مقاله شماره ۹۱

کد مقاله: ۱۰۰۳۰۷۳

۳-۱- آیا می دانید بهاء الله معتقد است که پیامبران ازلی اند و دارای یک روح و جسد واحد می باشند!!! آیا می دانید از نظر بهاء الله، پیامبران هیچ گاه خلق نشده اند و همیشه و همراهِ خداوند! آیا می دانید از نظر بهاء الله، پیامبران اساساً مخلوق نیستند؟! به نظر شما اگر موجودی، مخلوق نباشد، پس چیست؟! ۱

مقاله شماره ۹۲

کد مقاله: ۱۰۰۳۰۷۴

۳-۸- بهاء الله و نسبت دادن دروغ دیگری به پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) آیا بهاء الله مدعی هستند که خالق ندارند و همیشه بوده اند؟! آیا بهائیان اکنون در مورد ادعای ازلی بودن بهاء الله تفکر نموده اند؟! آن کدام موجود است که ازلی و است و ابتدایی ندارد و هیچ گاه خلق نشده است؟! ۱

مقاله شماره ۹۳

کد مقاله: ۱۰۰۳۰۷۵

۳-۹- از خودم به خودم!!! قضیه ساندویچ به همراه تکنیک مبهم گویی!!! بررسی ادعای کلّ النبیین والمرسلین که یک کل واحد

مقاله شماره ۹۴

کد مقاله: ۱۰۰۳۰۷۶

- ۵۶- ۱۰-۳- آیا پیامبران الهی، حکم یک شخص واحد را دارند؟ آیا همه پیامبران الهی دارای صفات و فضایل واحد و یکسانی هستند؟ هدف از ادعای واحد بودن صفات و فضائل و به طور کلی واحد بودن انبیاء در باور بهائی چیست؟! تعارض واحد بودن صفات انبیاء الهی با آموزه‌های باور بهائی!
- مقاله شماره ۹۵
- کد مقاله: ۱۰۰۳۰۷۷
- ۶۰- ۱۱-۳- آیا در قرآن کریم به ظهور پیامبر بعدی در آینده اشاره‌ای شده است؟! چرا باور بهائی، اجل دار بودن امت‌ها را دیده ولی اجل دار بودن این جهان را ندیده است؟! مقاله شماره ۹۶
- کد مقاله: ۱۰۰۳۰۷۸
- ۶۴- ۱۲-۳- برترین دلیل باور بهائی در خصوص آمدن پیامبر، دین و کتاب بعدی، باز هم دلیل دیگری بر عدم حقانیت باب و بهاء الله! آیا بهائیان می‌دانند که به استناد همین دلیل، بطلان ادعای باب و بهاء الله به اثبات می‌رسد؟! مقاله شماره ۹۷
- کد مقاله: ۱۰۰۳۰۷۹
- ۶۹- ۱۳-۳- تعریف اشتباه باور بهائی از امت مقاله شماره ۹۸
- کد مقاله: ۱۰۰۳۰۸۰
- ۷۱- ۱۴-۳- چه کسی گفته که امت اسلامی، امتی ابدی است؟! راستی چرا باور بهائی به دروغ مطلبی را به مسلمانان نسبت می‌دهد؟! مقاله شماره ۹۹
- کد مقاله: ۱۰۰۳۰۸۱
- ۷۳- ۱۵-۳- اثبات بطلان باور بهائی بر اساس ادعای اجل هزار ساله امت اسلامی در قرآن! آیا می‌دانید ادعای اجل هزار ساله برای امت اسلامی، به روشنی هر چه تمام‌تر باطل بودن باور بانی و بهائی را به اثبات می‌رساند؟! مقاله شماره ۱۰۰
- کد مقاله: ۱۰۰۳۰۸۲

- ۳-۱۶- بررسی ادعای باور بهائی در خصوص اجل یک روزه امت اسلامی ۸۰
در قرآن
مقاله شماره ۱۰۱
کد مقاله: ۱۰۰۳۰۸۳
- ۳-۱۷- بررسی ادعای باور بهائی در خصوص روز هزار ساله اجل امت اسلامی در قرآن! باور بهائی بر چه اساسی ادعا کرده که منظور از روز در این آیات، معنای تجدید ادیان است؟!
مقاله شماره ۱۰۲
کد مقاله: ۱۰۰۳۰۸۴
- ۳-۱۸- بررسی ادعای باور بهائی در خصوص آیه يُدْزِرُ الْأَمْرَ آیا بهائیان تا کنون به ترفیفات هیبراتی که باور بهائی در معنای کلام الهی داده، توجه نموده‌اند؟! باور بهائی را باور از جنس الهی و آسمانی باشد، باز هم برای برای اثبات حقیقت خود، بار به شیوه‌ای دارد؟!
مقاله شماره ۱۰۳
کد مقاله: ۱۰۰۳۰۸۵
- ۳-۱۹- بررسی ادعای مطرح شده، خود رخص به کَذَّابٍ أَزْسَلْنَاكَ... چرا باور بهائی هیچ توضیحی نمی‌دهد که چگونه این آیه دلالت به آمدن پیامبران و امت‌های دیگری در آینده دارد؟!
مقاله شماره ۱۰۴
کد مقاله: ۱۰۰۳۰۸۶
- ۳-۲۰- بررسی ادعای باور بهائی در خصوص آیه وَ كَذَلِكَ بَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا!
مقاله شماره ۱۰۵
کد مقاله: ۱۰۰۳۰۸۷
- ۳-۲۱- بررسی ادعای باور بهائی در خصوص آیه وَلِكُلِّ أُمَّةٍ رَّسُولٌ! در کجای این آیه نوید به آمدن پیامبر بعدی داده شده است؟! مگر باور بهائی پیش از این ادعا نکرده بود که دوران نبوت و رسالت به انتها رسیده و دیگر هیچ رسول و نبی نخواهد آمد؟! پس چرا در این آیات به دنبال اثبات بطلان ادعای پیشین خویش است؟!
مقاله شماره ۱۰۶
کد مقاله: ۱۰۰۳۰۸۸

تشکیلات بهائیت و معین باور بهائی، سال‌هاست که مجموعه‌ای را تهیه و منتشر نموده‌اند به نام رفع شبهات در این مجموعه، به برخی از سوالات و چالش‌هایی اساسی که باور بهائی با آن‌ها روبرو است، پاسخ داده شده است. ویرایش دوم این مجموعه، هفتاد مورد از این چالش‌ها را در می‌گیرد. نادرستی پاسخ‌هایی که باور بهائی در ذیل این مباحث مطرح نموده به صورت مستقل و مجموعه‌های متعدد و مستقلی مورد بررسی قرار گرفته و باطل بودن آن‌ها به اثبات رسیده است. اما از آن‌جا که این مباحث تاکنون در مجموعه مستقلی با عنوان پاسخ به رفع شبهات ردآوری نشده و در اختیار محققین عزیز و حق‌جویان گرامی قرار نگرفته بود، لذا گردآوری، تدوین و مستندسازی مباحث مذکور لازم به نظر می‌رسید. مجموعه‌ای که در پیش‌رو قرار دارد، چنین رویکردی را انتخاب نموده و سعی خواهد کرد تک‌تک ادعاهای مطرح شده از سوی مبلغین باور بهائی و تشکیلات بهائیت را مورد بررسی علمی و بی‌طرفانه قرار دهد.

به لطف خداوند متعال، علاقه‌مندان به موضوع باور بهائی و تشکیلات بهائیت، اعم از بهائیان، محققین و خلاصه کسانی که به دنبال دستیابی به حقیقت هستند، می‌توانند با مراجعه به این مجموعه به صحت و سقم ادعاهای مطرح شده از روی تشکیلات بهائیت و شیوه‌های مبلغین بهائی بیشتر آشنا شوند.

البته این نکته بسیار مهم را همواره مد نظر داریم که مجموعه ۷۰ سوالی رفع شبهات، به هیچ وجه تمامی چالش‌های اساسی باور بهائی را در بر نمی‌گیرد! بلکه

گلچینی است که مبلغین باور بهائی انتخاب نموده‌اند. به بیان روشن‌تر می‌توان گفت چالش‌های اساسی و بنیادین بسیار زیاد دیگری وجود دارد که تشکیلات بهائیت به هیچ وجه اسمی از آن مباحث به میان نمی‌آورد. در واقع باور بهائی در اینجا پیش دستی نموده با انتشار مجموعه رفع شبهات، سعی دارد این گونه وانمود سازد که تمامی سوالات و چالش‌هایی که باور بهائی با آن روبروست، تنها و تنها محدود به همین موارد گزینشی می‌شود. حال آن که خواهیم دید بسیار از سوالات مطرح شده در این مجموعه، بیشتر جنبه تبلیغی دارد و موضوعات بسیار مهم‌تر و اساسی‌تری وجود دارد که باور بهائی، متأسفانه چشمان خود را به روی آن بسته نگه داشته که به لطف خداوند متعال پس از اتمام مجموعه حاضر، به برخی از این چالش‌های اساسی پرداخته خواهد شد.

اما این هم‌همه‌ها مترانیست. در بسیاری از همین ۷۰ مورد نیز به عوض پرداختن به اصل چالش، سوال را به گونه‌ای نادرست مطرح نموده و اصل چالش را باز هم مخفی نگه می‌دارد و حتی شبهات را به طرح صحیح سوال را ندارد! حال آن که در شیوه علمی طرح مباحث، پیش از هر چیز باید اصل سوال به درستی و روشنی بیان شود و پس از این که صورت مساله مشخص می‌شود، پاسخ خود را ارائه نماید! شاید بتوان چنین رویکردی در هیچ یک از مباحث باور بهائی به چشم نمی‌خورد! در هیچ یک از این سوالات، باور بهائی رعایت این اصل اساسی شیوه علمی را نمی‌نماید. سوال دلخواهی را به همان صورتی که خودش می‌خواهد در آن گونه که واقعا وجود دارد، مطرح می‌نماید و سپس سعی می‌کند به سوالی که خود را در آن کمال دلخواهش مطرح کرده پاسخ دهد!

به عنوان مثال به دروغ ادعا می‌نماید که منتقدین باور بهائی، معتقد هستند در باور بهائی، نماز وجود ندارد و سپس به بهانه این سوال دروغین و غیر واقعی، به تبلیغ خود پرداخته و به گونه‌ای وانمود می‌کند که تمامی چالش‌های نماز در باور بهائی را پاسخ گفته است! در حالی که اولاً معلوم نیست این سوال را از کجا آورده است؟! شاید بتوان گفت در تمامی مباحثی که باور بهائی مطرح نموده، هیچ‌گاه اصل سوال و یا منبع آن را ارائه نمی‌دهد؛ آیا واقعا چنین سوالی وجود دارد؟! در کجا مطرح شده؟! ۱۲

طرح کننده آن چه کسی است؟! دوم این که مثلاً در همین بحث نماز، اصلاً بحث داشتن یا نداشتن نماز نیست. آن چه در بحث چالش نماز در باور بهائی مطرح می‌شود، به عنوان نمونه، نماز جماعت خواندن مؤسسين این باور است در حالی که نماز جماعت در این باور به طور کلی حرام اعلام شده است! دزد شدن احکام نماز است و این که احدی نمی‌داند نمازی که بهاء الله نازل کرده، چگونه نمازی بوده است! در مدت ۱۹ سال پس از نزول نماز در باور بهائی گویا حتی یک مرتبه کسی نتوانسته نماز خواندن بهاء الله را ببیند! یا این که ادعا شده نمازی که بهاء الله نازل کرده پس از ایشان نسخ نموده‌اند و از این نوع سوالات بی‌پاسخ!

باور بهائی رای فراوانی مباحث مذکور، موضوع دیگری را در مورد نماز مطرح می‌کند که از پایه دروغ و غلط است؛ ادعا می‌کند که باور بهائی را به نداشتن نماز متهم کرده‌اند در حالی که چالش باور بهائی در بحث نماز، اساساً در جای دیگری است! در مباحث سوال ۱۹ به صورت خاص به برخی چالش‌های باور بهائی در خصوص نماز پرداخته می‌شود.

متأسفانه در بسیاری از مباحث مطرح شده چنین شیوه نادرستی از سوی باور بهائی در پیش گرفته شده است. مثلاً در مورد باب، هیچ‌گاه این موضوع را مطرح نمی‌کند که باب هیچ جایی خود را امام دوازدهم معرفی نکرده و لذا اساساً پیرونده دوازده وصی پیامبر اسلام ﷺ هنوز بسته نشده است!

از آن جا که باور بهائی پس از انتشار نسخه دوم رفع شبهات، درجه بسیاری از اشتباهات قبلی خود شده و در نسخه‌های بعدی که در کانال‌های تبلیغاتی مطرح نموده، عنوان و یا متن بسیاری از پاسخ‌های خود را اصلاح نموده، لذا در نسخه حاضر نیز به آخرین نسخه منتشر شده از سوی تشکیلات بهائیت پرداخته می‌شود.

در نوشتاری که پیش‌رو دارید، دلایل و مباحثی که باور بهائی در انکار باور اصیل خاتمیت مطرح نموده، مورد نقد و بررسی و راستی‌آزمایی قرار خواهد گرفت. همان‌گونه که می‌دانیم، باور اصیل خاتمیت از ضروریات دین اسلام به حساب می‌آید و به قدری این موضوع در دین اسلام مورد تأکید و تصریح قرار گرفته که این اصل را به یکی از ضروریات دین اسلام تبدیل نموده و تمامی مسلمانان بر این اصل

اتفاق نظر دارند! اهمیت و جایگاه این باور اصیل تا بدانجاست که مخالفین شیعه برای این که بتوانند حکم کافر بودن و سپس قتل شیعیان را مطرح سازند، به دروغ ادعا می‌کنند که شیعیان منکر خاتمیت هستند و اتهام انکار اصل اصیل خاتمیت کافیت تا شیعیان را به عنوان خارج از دین معرفی نموده و حکم قتل ایشان را صادر نمایند. این موضوع، نشان می‌دهد که اعتقاد به خاتمیت، اصلی غیر قابل تردید و تشکیک در اسلام به حساب می‌آید.

اما اعتقاد و باور خاتمیت به چه معناست؟! آیا فقط و فقط به معنای خاتمیت پیامبر اکرم اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) است؟!

همان‌گونه که در ادامه خواهیم دید، از یک دیدگاه می‌توان گفت اعتقاد به خاتمیت، باور است که بر چهار محور و پایه اصلی استوار گردیده است. این چهار محور عبارتند از خاتمیت پیامبر اسلام ﷺ، جاویدان بودن قرآن، پایداری و ماندگاری آئین الهی اسلام و آیه هارم استمرار هدایت الهی یا همان رمز خاتمیت.

اما متأسفانه باور بهائی چنان خود را بر تمامی چهار محور مذکور، بسته نگه می‌دارد و هیچ‌گاه به ایرادات نمی‌پردازد. با این که هریک از چهار اصل ذکر شده در بالا به کوهی از دلایل استوار است. روایات تکیه دارند، ولی باور بهائی در کمال تعجب و البته در نهایت بی‌انصافی، نه تنها هیچ اشاره‌ای به محورهای ذکر شده در بالا نمی‌نماید بلکه اعتقاد به خاتمیت را فقط بر مبنای مساوی اعتقاد به خاتمیت پیامبر اسلام ﷺ معرفی می‌کند و هیچ توجهی به محور دیگر نمی‌نماید. چرا که پرداختن به هریک از سایر محورها، به معنای اشاره به حجم عظیمی از آیات و روایات و مستندات مربوط به همان بخش می‌گردد. لذا به این بنا بر این مباحث می‌گذرد و هیچ اشاره‌ای به آن‌ها نمی‌کند.

در معرفی همین یک محور از محورهای چهارگانه نیز تمامی دلایل متعدد موجود را محدود و منحصر در دو کلمه خاتم النبیین تلقی می‌نماید. در حالی که حداقل حدود ۴۰ آیه از قرآن کریم و حجم زیادی از روایات اسلامی بر خاتمیت شخص پیامبر اسلام ﷺ شهادت می‌دهند. باور بهائی با نادیده انگاشتن سایر محورها ذکر شده، در انکار خاتمیت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) نیز سعی می‌کند تمام دلایل

مسلمانان را محدود در آیه خاتمیت و عبارت خاتم النبیین معرفی نموده و در نهایت نیز معنای عبارت و آیه خاتمیت را به عنوان آیه‌ای متشابه قلمداد نماید.

همان‌گونه که در مباحث پیش رو خواهیم دید، حقیقت خیلی فراتر از دایره محدودی است که باور بهائی ترسیم نموده است. آن قدر آفتاب باور خاتمیت، تابنده و روشن‌گراست که حتی اگر از ابتدای قرآن کریم تا آخر آن هیچ آیه‌ای دیگر وجود نداشت جز این که فقط و فقط می‌فرمود بعد از پیامبر اسلام ﷺ، پیامبر دیگری نخواهد آمد و بعد از قرآن کریم، کتاب دیگری نازل خواهد شد و دین بدیع دیگری پس از اسلام خواهد آمد، این مطالب هیچ سود و فایده‌ای برای باور بهائی نخواهد داشت. چرا!

زیرا مؤسسی در بهائی، شخصی بهاء الله گرفته تا مبلغین معروف و مشهور آن در نصوص و منابع مورد تأییدشان، قدر بر اصالت خاتمیت و درستی این باور تأکید و اعتراف نموده‌اند، که از کلامی لایمی هیچ نفعی برای ایشان ندارد. در دومین مقاله از نوشتار حاضر به بررسی برخی از این نصوص پرداخته شده است.

اما ممکن است این سوال پیش بیاید که آیا حساسیت باور بهائی نسبت به باور اصیل خاتمیت چیست که نمی‌تواند حضور و ورود این باور را بربتابد و تحمل نماید؟! پاسخ بسیار روشن است؛ اعتقاد به خاتمیت، بعد از پیامبر اسلام ﷺ، دیگر هیچ نبی و پیامبری از جانب خداوند متعال به رسالت و رسالت مبعوث نخواهد شد، یعنی هیچ کتاب آسمانی دیگری نازل نخواهد گردید، و دین بدیع دیگری پس از آئین اسلام نخواهد آمد و نهایتاً به این معناست هدایت الهی بعد از پیامبر اسلام ﷺ توسط اوصیای الهی ایشان استمرار و تداوم داشته و خداوند متعال حتی برای یک لحظه نیز زمین را از حجت خود خالی نفرموده و هیچ‌گاه بندگان را بدون هادی و امام هدایت رها نساخته است!

بنابراین اگر باور بهائی بخواهد ادعا کند دین بدیعی برای بشریت آورده و کتاب بدیعی از آسمان نازل کرده و خلاصه آئین دیگری است، چاره‌ای ندارد جز آن که ابتدا باور اصیل خاتمیت را از بین ببرد! اعتقاد به خاتمیت، راه را بر هر گونه ادعای جدید و بدیعی بسته است! لذا شاید بتوان گفت اولین مانع بر سر راه ادعای باور بهائی، باور اصیل خاتمیت است! بنابراین چاره‌ای ندارد جز این که ابتدا بایستی این

چهار سد محکم الهی در بحث خاتمیت را از پیش روی خود بردارد تا بتواند مجالی برای طرح ادعاهای خود دست و پا نماید! به بیان روشن‌تر، تا زمانی که اعتقاد به باور اصیل خاتمیت وجود داشته باشد، هیچ فرصتی برای طرح ادعاهایی از نوع پیامبری و نبوت وجود نخواهد داشت.

لذا باور بهائی مجبور است و چاره‌ای ندارد جز این که با این باور اصیل و اعتقاد راستین به مبارزه برخیزد! کما این که در طول تاریخ نیز مدعیان دروغین پیش از بهاء الله با همین مانع روبرو بوده‌اند و به این باور الهی تاخته‌اند.

یکی دیگر از سوء استفاده‌هایی که باور بهائی پس از انکار خاتمیت انجام می‌دهد، فرار از ارائهٔ «هان و دلیل» است. باور بهائی پس از آن که به خیال خود باور خاتمیت را نشان رفت و از سر راه خود برداشت، کار را تمام شده جلوه می‌دهد؛ یعنی به فرض محال، «حزین» که خاتمیت را از بین برد، آن را مساوی اثبات پیامبری باب و بهاء الله قلمداد می‌کند. در حالی که بین هادو موضوع مستقل هستند! به فرض محال اگر اصلاً باور خاتمیتی وجود داشته باشد، تازه اول راه اثبات ادعای پیامبری باب و بهاء الله است! به چه دلیل باید با ادعای پیامبری ایشان ایمان آورد؟! آیا بهاء الله همان موعودی است که باب به آمدن آن بشارت داده؟ پس چرا نشانه‌ها و خصوصیتی که برای موعود پس از خود بر شمرده به هیچ وجه بر بهاء الله تطبیق نمی‌نماید؟! و این موارد از مباحثی هستند که در سوال یازدهم به آن پرداخته می‌شود. به این نکته توجه داریم که انکار خاتمیت (به فرض محال) به هیچ وجه به معنای ایمان و ادعای پیامبری باب و بهاء الله نیست! ولی متأسفانه باور بهائی این دورا در بسیاری از موارد، سبوی هم می‌گیرد.

با این مقدمه به سراغ ادعاهای مطرح شده از سوی باور بهائی در انکار باور اصیل خاتمیت خواهیم رفت. در مباحث پیش رو سعی شده است تمامی ادعاهایی که به عنوان انکار خاتمیت از سوی باور بهائی مطرح شده، یک به یک مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد. اما همان‌گونه که پیش از این نیز بدان اشاره گردید، اعترافات صریح مؤسسين باور بهائی بر اصالت و درستی باور خاتمیت (مقالهٔ دوم با شمارهٔ ۲۰)، راه را بر هر گونه توجیهی بسته و آب پاکی را بر بطلان تمامی مباحث مطرح شده از سوی باور بهائی ریخته است! به همین دلیل نیز باور بهائی هیچ جایی را به این مباحث نداده و هیچ‌گاه به این اعترافات اشاره نمی‌نماید.